

رضا رسولی*

تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۰۴/۰۵

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۴/۰۶/۲۸

چکیده

تقاضای رسمی ترکیه برای ورود به اتحادیه اروپا از آغاز روابط اروپایی، در دستور کار روند گسترش قرار دارد. در این میان، اصلاحات قابل توجهی تا کنون توسط ترکیه به منظور برآورده ساختن نقطه نظرات اتحادیه اروپا و همسوسازی قوانین و سیاست‌های خود با آن اتحادیه به عمل آمده است. اما اتحادیه هر بار به نحوی تا این زمان از ارایه زمان و تعریفی مشخص برای این تقاضا طفره رفته است. اگرچه الحاق ترکیه موید انتفاع اتحادیه از کاهش قیمت‌ها است، روند گسترش اتحادیه به سمت ترکیه با اکراه بسیاری صورت می‌گیرد که عمدتاً تحت تأثیر موضوعات فرهنگی، مذهبی و دیگر تفاوت‌های میان ترکیه و الباقی اروپا، به ویژه مسئله قبرس قرار دارد. به رغم اراده سیاسی قوی ترکیه برای پیوستن به اتحادیه، به نظر می‌رسد چشم‌انداز الحاق، افق روشنی ندارد.

واژگان کلیدی: قوانین بین‌الملل، اتحادیه اروپا، سیاست خارجی ترکیه، روند الحاق

راسولی@pnu.ac.ir

* دکتری مدیریت دولتی و علم و سیاست، دانشیار دانشگاه پیام نور - تهران

فصلنامه مطالعات خاورمیانه، سال بیستم و دوم، شماره دوم، پاییز ۱۳۹۴، صص ۸۲ - ۵۷.

مقدمه

در مقایسه با دیگر موارد روند گسترش اتحادیه اروپا، منحصر به فرد بودن ترکیه از بسیاری جهات ثابت شده است. در دوره‌های قبلی گسترش، کشورهای نامزد متعهد به اصلاحات الهام گرفته همسو با تعهدات معتبر اتحادیه اروپا بودند. هیچ کشوری چنین روند طولانی را طی نکرده است. هیچ کشوری قبل از عضویت کامل در اتحادیه اروپا، یک اتحاد گمرکی (CU) به نفع شرکت‌های اروپایی با آن اتحادیه، ایجاد نکرده است (Tacar, 2007: 126) و تا به حال، آغاز مذاکرات عضویت کامل هیچ کشوری موکول به شرط نبوده است.

برحسب اشارات انتقادآمیز ردموند، تا این اندازه که آرمان ترکیه «جهت یک پارچه‌سازی با اتحادیه اروپا ثابت شده است» در مورد هیچ‌یک از اعضای کنونی آن مشاهده نگردیده است. به‌طور کلی، اتحادیه اروپا با سیاست‌های مبهم و رفتار نابرابر یک نگرش گریزان نسبت به ترکیه نشان داده است. (Redmond, 2007: 307, 311, 313; Pearce, 2010: 61-73) با وجود چنین عملکردی، در کل ترکیه مصرانه حسن نیت در تقاضا را مطابق با قوانین بین‌المللی حفظ نموده است. تاکنون تحقیقات کافی و متمرکز بر روی این جنبه منحصر به فرد از رابطه میان ترکیه و اتحادیه اروپا صورت نگرفته است. این جنبه نیازمند تحقیقات عمیق‌تر بر روی علل بدیع بودن و پی‌آمدهای آن در روند است.

این مقاله با هدف ترغیب نگاه به ضرورت برطرف ساختن موانع و تشویق هر دو طرف به فکر کردن مجدد در زمینه ادغام اجتماعی و اقتصادی با از سرگیری مجدد مذاکرات متوقف مانده و پیش بردن جدی آن، نگاشته شده است. از این رو، مقاله به بررسی برخی از چشم‌اندازها و مفاهیم مهم و موردی می‌پردازد و در کل، چنین استنباط می‌کند که اگر تلاش ترکیه برای تبدیل شدن به یک عضو از اتحادیه اروپا نتواند مطابق نظر پیش برود، اتفاق خاصی رخ نمی‌دهد.

یک. تلاش ترکیه

در راه عضویت، از زمان ایجاد جامعه اقتصادی اروپا (EEC) در سال ۱۹۵۸، ترکیه درخواست پیوستن به پروژه یک‌پارچگی اروپا نمود و به‌واسطه آن، تحت هر دو عوامل داخلی و خارجی مراحل

دشواری را گذرانده است. علاوه بر این، ترکیه به شرح روند تاریخی زیر، از ۲۵ سال پیش، به طور بالقوه با مراحل سخت تری مواجه بوده است. (Schrijvers, 2007: 43; Jorgensen, 2007: 12)

گام نخست، در ماه جولای ۱۹۵۹، مدت کوتاهی پس از ایجاد جامعه اقتصادی اروپا، ترکیه اقدام به برقراری روابط رسمی با اتحادیه اروپا از طریق درخواست پیوستن به جامعه اقتصادی اروپا با منطق سیاسی و اقتصادی می نماید. در پاسخ، جامعه اقتصادی اروپا پیشنهاد می کند مجمع احراز صلاحیت، جهت بررسی شرایط الحاق ترکیه تشکیل گردد. (Wall, 2004; Lagro and Jorgensen, 2007: 3-6)

متعاقب آن در سال ۱۹۶۳، توافق نامه آنکارا به امضای طرفین مذاکرات، جمهوری ترکیه و جامعه اقتصادی اروپا می رسد که مرجع و پایه حقوقی تشکیل مجمع می شود.

گام دوم، در ۱۴ آوریل ۱۹۸۷، ترکیه درخواست عضویت کامل خود را به طور رسمی تسلیم اتحادیه اروپا می نماید، اما در سال ۱۹۸۹ و در آستانه اتمام یکسان سازی هم ترازای بازار خود با شرایط جامعه اقتصادی اروپا این درخواست در حوزه ای اقتصادی و سیاسی (Sozen & Shaw, 2003: 115) رد می شود. با این حال، این واقعه راه را برای برنامه همکاری و کمک به تسهیل ادغام دو طرف، براساس (CU) که باید در سال ۱۹۹۵ تکمیل می گردید، هموار نمود.

گام سوم، شورای اروپایی هلسینکی با نامزدی ترکیه براساس معیارهای یکسان با دیگر کشورهای نامزد موافقت کرد. این مرحله پیشرونده، یک شروع امیدوارکننده جدید را برای هر دو طرف نمایان ساخت. در نتیجه، ترکیه، مانند دیگر کشورهای نامزد، از یک پیش استراتژی الحاق جهت تهییج و حمایت از اصلاحاتش بهره مند گردید.

چهارمین گام، شورای اروپا در لائیکن؛ برای روابط در کل و خاصه روند الحاق مفاهیم مهمی را به تصویب می رساند که در درجه نخست به چشم انداز شروع مذاکرات الحاق با ترکیه اشاره دارد، و برای اولین بار در بالاترین سطح به صراحت اعلام می شود. تصمیم مهم دیگر حضور ترکیه همسان و همراه با دیگر کشورهای نامزد در کنوانسیون کار می باشد. با این حال، این همکاری نبایستی منع قانونی برای اجماع داشته باشد. در هر حال، تلاش های مثبت ترکیه با توجه به ملاحظات سیاست دفاعی و امنیتی اروپا (ESDP)، و روابط با یونان تاثیر خاصی در این نتیجه گیری دارد. (Buthe, Gencer and Parkash, 2009)

اتفاق آرا «با تایید تحقق معیارهای سیاسی کپنهاگ توسط ترکیه، از اتحادیه می‌خواهد بدون تاخیر باب مذاکرات الحاق با ترکیه را باز نماید»، و می‌افزاید که «مذاکره فرایندی نامختوم است» که نتایج آن نمی‌تواند متضمن پیشبرد باشد.

در واقع، فرایند «نامختوم» مذاکرات الحاق رسماً در سال ۲۰۰۵ با شرایط چندگانه جدید از قبیل «مشروط بودن» و «ظرفیت جذب اتحادیه اروپا» آغاز می‌گردد. بدیهی است، ترکیه پیش از شرایط چندگانه در راستای تمایل به اتحادیه اروپا و با انگیزه هم‌سویی، بخشی از قانون و سیاست‌های خود را، تعدیل می‌کند. (Gunes-Ayata, 2003: 220) در این مرحله، چشم‌انداز عضویت، نامطمئن و دشوارتر می‌گردد. (Cornell, 2012: 10) به موازات طفره از روند مذاکرات، روند اصلاحات دوجانبه (لازم و ملزوم) به‌طور قابل توجهی کند و آهسته می‌شود. در همین حال، چنان‌که آغور اشاره می‌کند، «حمایت افکار عمومی ترکیه، اعتماد به نهادهای اتحادیه اروپا، و نظر حمایتی مردم اروپا برای عضویت ترکیه، همه و همه به‌طور قابل ملاحظه‌ای کاهش یافته است.» (Gunes-Ayata, 2003: 220; Ugur, 2010: 968-969, 971-972, 981; Cornel, 2012: 9-10) پیامد بازی وضعیت در مذاکرات، توقف، و نه بن‌بست آن می‌باشد. تا به امروز، باب گفتگوها بر روی ۱۳ فصل باز بوده، یکی هم به‌طور مشروط و موقتاً بسته می‌باشد. شورای اروپا هنوز نتایج اقتباس شده توسط امور عمومی و شورای روابط خارجی وزرای خارجه اتحادیه اروپا در مورد ترکیه را تایید ننموده است. پس از امتناع ترکیه برای عادی‌سازی تجارت با قبرس جنوبی، وزرای خارجه اتحادیه اروپا به اتفاق آراء بخشی از مذاکرات الحاق با ترکیه را متوقف ساختند. بر این اساس، هشت فصل از ۳۵ فصول دستور کار مذاکرات الحاق مربوط به محدودیت‌های ترکیه در قبرس جنوبی به حالت تعلیق درآمد و مذاکرات بر روی این هشت فصل مسکوت می‌باشد و موقتاً هیچ فصلی از توافق‌نامه الحاق بسته نمی‌گردد، مگر آنکه کمیسیون اجرای کامل پروتکل الحاقی را توسط ترکیه تایید نماید. به‌رغم بازی وضعیت، از سال ۱۹۵۹ روابط همواره ارزش‌های افزوده قابل توجهی برای دو طرف داشته است. هریک از این مراحل تاریخی در روابط، به‌عنوان یک گام متری در مسیر عضویت ترکیه قلمداد شده، به‌طور قابل توجهی امیدها و آرزوهای ترکیه را تجدید کرده، انگیزه دولت‌های ترکیه را برای اصلاحات، بیشتر نموده است. (Sozen and

108:2003, Show) در این رابطه، ارایه یک گزارش کامل از علل، بدون شک چشم‌انداز این مقاله را محدود خواهد نمود. با این حال، باید به برخی از جنبه‌های کلی بازی وضعیت اشاره نمود: جنبه نخست، با وجود نوسانات در روابط، موضوع عضویت ترکیه به‌طور چشم‌گیری معطوف به چشم‌انداز اقتصادی، سیاسی و حقوقی کشور گردیده است. (Sozen & Show, 2003: 115-224: 2011, Goksel; 364: 2009, Ulusoy; 116) در این زمینه، دستاوردهای ترکیه نه تنها در زمینه الزامات اتحادیه اروپا، بلکه بر اساس عضویت در شورای اروپا (CoE)، اولین سازمان سیاسی اروپا، توسعه‌ای فراتر داشته است. (S. Chwimmer, 2004) بدیهی است ترکیه پیشرفت مستمری دارد. (Lagro, 2007: 107; Rehn, 2008; Goksel, 2011: 223-224; Gerhards and Hans, 2011: 741-743, 762)

جنبه دوم، ترکیه در قالب پروژه اروپای سیاسی از طریق همکاری‌های اساسی، به نهادهای بین‌المللی هدایت شده توسط کشورهای اروپایی کمک کرده است. ترکیه در سال‌های ۱۹۴۵ و ۱۹۴۹ به عضویت سازمان ملل متحد و شورای اروپا درآمد و در سال‌های ۱۹۵۲، ۱۹۶۱ و ۱۹۷۳ به ناتو، سازمان همکاری اقتصادی و توسعه اروپا (OECD) و سازمان امنیت و همکاری در اروپا (OSCE) می‌پیوندد. بدین‌گونه به یک متحد بی‌باک برای اروپا و آمریکا در دوران جنگ سرد، و پس از آن تبدیل می‌گردد. (Redmond, 2007: 308; Scherpereel, 2010: 828) در مقایسه با کشورهای کنونی عضو اتحادیه اروپا مانند مجارستان و لهستان که در سال ۱۹۹۹ به ناتو پیوسته‌اند، سابقه مشارکت موثر ترکیه در موسسات بین‌المللی بسیار طولانی‌تر است. (Pearce, 2010: 61) حتی امروز، باید اذعان نمود که این تعهد مستمرا به سطح قوی‌تر و معتبرتری ارتقاء یافته است. علاوه بر این تعهدات مترقی، چشم‌انداز الحاق ترکیه، منافع و نفوذ گسترده‌تر اتحادیه اروپا در مناطق مدیترانه، دریای سیاه، حوضه دانوب، شرق میانه و قفقاز جنوبی را به‌همراه دارد. ترکیه ضمن کمک اساسی به برنامه امنیت و دفاع اروپا (ESDP)، در فعالیت‌های دوجانبه مشارکت بیشتری نموده است. این پیشرفت‌های چشم‌گیر، نقش ترکیه در نظم حقوقی بین‌الملل را به‌وضوح نشان می‌دهند. در نتیجه، با در نظر گرفتن تمامی ارزش‌های افزوده، برای هر دو طرف ترکیه و اتحادیه اروپا، داشتن شورای نظارت کشوری یک سرمایه جهت اروپایی‌تر شدن اروپا تلقی

می‌گردد. (Schwimmer, 2004; Kirval, 2007: 200) آیا مزایای قابل توجه گسترش به سمت ترکیه، ادعاهای مجدد اتحادیه اروپا را منطقی خواهد کرد؟ به‌علاوه، از ابتدا روشن بود ورود کامل به ساختار اروپایی همواره بخشی از آرزوهای ترکیه می‌باشد.

دو. مخالفت‌ها با عضویت ترکیه

بعد از سال ۱۹۶۳، کشورهای معینی از اعضای اتحادیه اروپا نسبت به عوارض احتمالی ورود ترکیه به اتحادیه اروپا نگرانی‌هایی ابراز داشتند. (Arvanitopoulos, 2009) بنابراین، هیچ اجماعی بر روی اینکه آیا ترکیه باید به عضویت کامل در آید؟ به‌دست نیامد و توجه از عضویت کامل، خاصه توسط اتریش، فرانسه، آلمان و قبرس جنوبی و چند کشور دیگر، غالباً به‌سویی منحرف می‌گردید. (The Economist, 2010; Tekin and Williams, 2011: 168-169; Morelli and Migdalovitz, 2011: 196, 202-203) در واقع، بازگشایی مذاکرات الحاق در سال ۲۰۰۵، از یک سو مرحله مشخصی را در مسیر آرمان ترکیه رقم زد، و از سوی دیگر، نگرانی بخشی از اروپا را موجب گردید. (Morelli and Migdalovitz, 2011: 189)

به‌طور کلی، نگرانی اروپا بیشتر در پس منطق، تفاوت‌های جمعیتی، جغرافیایی، فرهنگی، مذهبی، اقتصادی و مسئله قبرس نهفته است. (Archick and Mix, 2011: 301) به‌طور قابل ملاحظه، نگرانی در مورد تفاوت‌های تاریخی، فرهنگی و مذهبی مقدم به‌نظر می‌رسند. (Redmond, 2007: 306) به‌طور خاص، اساس مخالفت‌های اتریش بر وقایع تاریخی اروپایی‌های متحد شده، و منافع محک خورده ائتلاف، زمانی که ترک‌ها وین را در سال‌های ۱۵۲۹ و ۱۶۸۳ جهت تجاوز محاصره نمودند، قرار دارد. در نتیجه، اروپای واحد، مدیون شکست سال ۱۶۸۳ ترک‌های مسلمان در دروازه‌های وین می‌باشد، وگرنه تاریخ اروپا به‌طور متفاوتی تکامل می‌یافت. (Molle, 2001: 46) در اینجا، بر مباحثی فکری و سیاسی که در طولانی‌مدت به مسائل به‌هم پیوسته اروپایی شکل داده‌اند، تاکید خاص صورت می‌گیرد. (Joseph, 2006)

۱-۲. مخالفت‌های اقتصادی

برای اتحادیه اروپا اساسا دلایل اقتصادی، مشارکت اقتصادی، نگرانی بزرگی هستند. با توجه به عضویت ترکیه، دو نگرانی مهم؛ یکی، عضویت ترکیه، باعث جریان مهاجرت به کشورهای اتحادیه اروپا و بی ثباتی بازار کار اروپایی با پیامدهای نامطلوب اقتصادی می‌شود (Gerhards, 2011: 751 and Hans); و دیگری، ضرورت کمک‌های اقتصادی است که باید در جهت پشتیبانی یا تایید پیوستن ترکیه به اتحادیه اروپا صورت بگیرند. در نتیجه، الحاق ترکیه به عنوان یک تحمیل بر بودجه اتحادیه اروپا دیده می‌شود. (Dyson, 2007: 64) برای نمونه، پشتیبانی مالی از زیرساخت‌های کشاورزی سنگین و غیرعادلانه، تلقی شده است (Guerot, 2004: 1-6; 1722, 1707, 1722, 2009: 1707, 1722, 2009) به گفته برخی، اتحادیه اروپا نباید بار نگهداری کشاورزان ترکیه را تحمل کند، برای تعهدات عمدتا اقتصادی که در سال‌های ۱۹۶۰ به وجود آمده‌اند، در حال حاضر با تشکیل اتحاد همکاری با ترکیه در سال ۱۹۹۵ عملی گردیده‌اند. (Destaing, 2004) این ادعا ممکن است در بخشی از اتحادیه اروپا کاملا درست باشد؛ زیرا اتحادیه همکاری منافع گسترده اقتصادی را که به واسطه عضویت کامل ترکیه انتظار می‌رفت، در حال حاضر برای اتحادیه اروپا فراهم آورده است. به همین دلیل، پیرس مطرح می‌سازد که باید انگیزه دیگری، ذاتا فراتر از انگیزه اقتصادی در پس موضوع ورود ترکیه وجود داشته باشد. با این حال، اولین نگرانی گفته شده، از دست رفتن وزن تحولات مثبت اخیر در ترکیه است. همان‌طور که آمار نشان می‌دهد، ترکیه یک اقتصاد قوی پیشرفته با عملکرد خوب بازار آزاد دارد و به احتمال زیاد، اقتصاد ترکیه بسیار قوی‌تر و حتی پایدارتر از انتظارات اتحادیه اروپا خواهد شد. بنابراین فرصت‌های کسب و کار افزایش یافته و نیاز ترک‌ها به مهاجرت جهت پیدا کردن شغل در جای دیگر و متعاقبا تحمیل بر بودجه اتحادیه اروپا کاهش می‌یابد.

علاوه بر این، ترکیه غیریک‌پارچه به معنی فرصت کمتر برای شرکت‌های اروپایی خواهد بود. (Chislett, 2011: 2) از این گذشته، ترک‌ها اکنون با اهداف فرهنگی و کسب و کار، نه تنها در تمامی اروپا بلکه در سراسر جهان شتاب گرفته‌اند. کمیسیون اروپا اخیرا اذعان نمود که، براساس عملکرد اقتصاد بازار، ترکیه یک کشور کلیدی برای امنیت و موفقیت اتحادیه اروپا با جنبه‌های

اقتصاد پویای آن می‌باشد که نقش مهم منطقه‌ای و سهم در سیاست خارجی و امنیت انرژی اتحادیه اروپا دارد و برحسب تجارت و سرمایه‌گذاری خارجی به واسطه اتحاد همکاری، در حال حاضر تا حد زیادی با اتحادیه اروپا یک‌پارچه شده است. کشور برای تعدادی از شرکت‌های پیشرو، به یک سکوی صنعتی مهم و یک جزء با ارزش از رقابت اروپایی تبدیل شده است. رشد بالای تولید ناخالص داخلی ترکیه تقریباً در سال ۲۰۱۱ به ۹ درصد رسیده است که اهمیت اقتصادی کشور را بیشتر افزایش می‌دهد. واضح است این تحولات مثبت ظاهراً سرمایه‌گذاران را برای سرمایه‌گذاری در ترکیه با یک نظام حقوقی بازتر و امن‌تر جذب می‌نماید. (Pearce, 2010: 69)

۲-۲. مخالفت‌های جمعیت‌شناختی

مخالفت‌های جمعیت‌شناختی نسبت به عضویت ترکیه ریشه برخی از نگرانی‌ها می‌باشد. نگرانی منجر به وحشت گسترده از الحاق ترکیه، تغییر عملکرد سازمانی اتحادیه اروپا بر اثر جمعیت ۷۵ میلیون نفری با ۹۹ درصد مسلمان ترکیه می‌باشد. بر اساس جمعیت، ترکیه تبدیل به یک تصمیم‌گیرنده مهم در اتحادیه اروپا و عاملی برای عدم تعادل در ساختار آن خواهد شد. (Gerhards and Hans, 2011: 756) این نگرانی بر این واقعیت استوار است که در حال حاضر جمعیت ترکیه از هر یک از کشورهای اروپایی به جز آلمان بیشتر می‌باشد. علاوه بر این، پیش‌بینی‌های جمعیتی سازمان ملل متحد نشان می‌دهد که جمعیت ترکیه در سال ۲۰۲۰ در حدود ۸۱ میلیون نفر و در سال ۲۰۴۰ بیش از ۹۰ میلیون نفر خواهد شد، در حالی که جمعیت آلمان در سال ۲۰۲۰ در حدود ۸۱ میلیون نفر و در سال ۲۰۴۰ بیش از ۷۷ میلیون نفر می‌شود. در واقع، با توجه به ساختار نهادها و روش‌های تصمیم‌گیری اتحادیه اروپا، دیگر هیچ‌یک از کشورهای عضو تاثیر مزیت‌ها و جمعیت آماری ترکیه را بر روی فرایندهای تصمیم‌گیری نخواهند داشت. (Pahr and Ucaray-Mangitli, 2009: 379-380) بنابراین، ادعای تبدیل شدن ترکیه به تصمیم‌گیرنده مهم در بی‌میلی اتحادیه اروپا اثبات می‌گردد.

نگرانی دیگر چشم‌انداز قوانین اتحادیه اروپا در حرکت آزاد مردم و نیروی کار است که با توجه به استاندارد زندگی در ترکیه، جریان بزرگی از مهاجران را عازم اروپا می‌نماید. در این رابطه، کافی

است، گفته شود در حال حاضر استاندارد زندگی در ترکیه بسیار بهتر شده است. علاوه بر این، با در نظر گرفتن اقتصاد مرفعی ترکیه، آشکار است در زمان عملی شدن عضویت کامل، در بسیاری بخش‌ها جریان کارگران به سمت ترکیه خواهد شد. بنابراین، به‌منظور کاهش جریان مهاجرت، به‌دلایل مختلف، برای اتحادیه اروپا داشتن ترکیه در شورا بهتر است. (Chislett, 2011: 2)

پویش جمعیت‌شناختی مشخص نموده است ترکیه با جمعیت نسبتاً جوان خود برای دوباره جوان‌سازی جمعیت و نیروی کار پیر اتحادیه اروپا به‌طور بالقوه وارد خواهد شد. (Chislett, 2011: 2) این وضعیت واقعی، بدون شک موقعیت چانه‌زنی ترکیه را قوی‌تر می‌نماید. (Pearce, 2010: 62-63)

۳-۲. مخالفت جغرافیایی

مخالفت جغرافیایی بر این واقعیت استوار است که محدوده اندکی از ترکیه یعنی تنها پنج درصد از خاک و هشت درصد از جمعیت عمومی در تماس با اروپا می‌باشد. بنابراین، برحسب جغرافیا هم ترکیه، اروپایی نمی‌باشد. علاوه بر این، ترکیه با دو همسایه اروپایی خود، یونان و بلغارستان، دارای مرز کوتاه و یک مرز بسیار طولانی با سوریه، ایران و عراق است (Erdogan, 2007: 22) عضویت آن به‌منزله دچار شدن بیش از حد اتحادیه اروپا به این مرزهای مشترک خواهد بود. (The Economist, 2004)

در مقابل، اهمیت تاریخی اینکه آیا ترکیه بخشی از جغرافیای اروپا است یا نه، اهمیت کمی در آینده روابط نهادی ترکیه با اتحادیه اروپا دارد. در واقع، این سوال به سادگی زمانی که ترکیه ۶۳ سال پیش یک دولت عضو شورای اروپا گردید، پاسخ داده شده است؛ باید تأکید کرد که تنها سه ماه پس از تأسیس شورای اروپا توسط ده کشور غرب اروپا، یک سال پیش از آلمان، هفت سال قبل از اتریش و بیش از یک چهارم قرن قبل از پرتغال و اسپانیا. از این رو، این ادعا که پایتخت ترکیه در اروپا واقع نشده هنگامی که قبرس جنوبی بدون پرسش نسبت به موضوع مشابه به اتحادیه اروپا می‌پیوندد، به وضوح غیرمنطقی است. (Tacar, 2007: 128)

جالب توجه است، در کنفرانس مذاکره صلح پاریس، پس از جنگ کریمه، دولت عثمانی در سال ۱۸۵۶ به‌عنوان بخشی از اتفاق اروپایی توصیف می‌شود و همچنین در دهه ۱۸۷۰ اروپایی‌ها

به دولت عنوان سرباز مشتاق اروپا می‌دهند. (The Economist, 2005) این توصیفات، دولت عثمانی را به‌عنوان اروپایی می‌پذیرند (Cornell, 2012: 12) به طعنه یادآور مخالفت با اروپایی نبودن ترکیه است! به‌علاوه، زمانی که ترکیه اولین بار در سال ۱۹۸۷ برای عضویت اقدام نمود، مراکش هم اقدام نمود. با این حال، مراکش بر اساس واقع نبودن در اروپا رد می‌شود، اما ترکیه براساس عدم انطباق با معیارهای عضویت رد می‌شود. (Cornell, 2012: 12) از این رو، اتحادیه اروپا به‌خودی‌خود هیچ قید یا شرط ضمن عقدی را برای این موضوع که آیا ترکیه کشوری اروپایی است یا نه، قرار نمی‌دهد.

علاوه بر این، زمانی که شورای اروپا به‌طور موثر نه‌تنها در اروپا بلکه در آسیا فراخوان ترویج دموکراسی کثرت‌گرا، حقوق بشر و آزادی‌های اساسی و حاکمیت قانون می‌دهد، بدیهی است که این ادعا غیرمنطقی خواهد بود. اثربخشی شورای اروپا نه‌تنها توسط کشورهای ثروتمند اروپای غربی بلکه توسط ترکیه و دیگر کشورها، تسهیل و فراهم شده است.

۴-۲. مخالفت‌های فرهنگی

با وجود این ادعا که اتحادیه اروپا هرگز قصد تحمیل کردن یکسانی سخت را ندارد (The Economist, 2005)، الحاق ترکیه در زمینه فرهنگی با مخالفت شدید مقامات بالای کشورهای مهم عضو مواجه گردیده است. (Scherpereel, 2010: 81) به عنوان مثال، والری ژیسکار دستن، رئیس‌جمهور سابق فرانسه و معمار ارشد قانون اساسی اروپا، چند ایراد مطرح ساخته که نشان‌دهنده موضع کلی اروپاست. ایراد اول، ترکیه فرهنگ، رویکرد و روش زندگی متفاوتی دارد. (Financial Times, 2004; Stephens, 2004) در واقع، با آنچه که فرانسه و هر عضو دیگر اتحادیه اروپا دارند، تفاوت دارد. (The Economist, 2005)

دوم، مذاکرات با ترکیه به‌جای تمرکز بر الحاق، بر موضوعات ثالثی مانند «معافیت همکاری» توجه نماید. برای عضویت ترکیه، آیا ماهیت این پروژه اروپایی تغییر کرده است. از سوی دیگر، اجازه پیوستن ترکیه به اتحادیه اروپا، می‌تواند باعث دشوار شدن وضع دیگر کشورهایی که مصرانه متقاضی ورود هستند، گردد. این می‌تواند منجر به دایمی شدن روند گسترش، ناپایداری

عملکردهای نظام اروپایی و از بین رفتن منطق اصلی آن شود. (Destaing, 2004)

سوم، این ادعاست که اروپایی‌ها نیاز به شناسایی قدرت خود دارند، چنان‌که از طریق میهن‌پرستی اروپایی بتوانند موجودیت واحد شهروندان اروپایی را تحقق بخشند. کمک‌های فرهنگ باستانی یونان و روم، میراث دینی فراگیر در اروپا، الهام گرفتن از رنسانس، فلسفه عصر روشن‌گری و کمک‌های فکری منطقی و علمی اصول جوهری آن می‌باشند. ترکیه در هیچ‌یک از این اصول ارزشی اروپا سهیم نمی‌باشد و تاریخ و فرهنگ خاص خود را توسعه داده است. با این حال، امروز اساس هویت اروپایی متفاوت از انسجام حیاتی اتحادیه اروپا می‌باشد.

با الحاق ترکیه، اتحادیه اروپا به نسخه منطقه‌ای سازمان ملل متحد که برای دیدار، گفتگو و پروژه‌های همکاری خاص معین طراحی شده، می‌لغزد. این امر هیچ هویت، اراده مشترک و نقشی برای بازی نخواهد داشت. دنیا بدون اروپا توسعه خواهد یافت. (Destaing, 2004)

برای حفظ احترام کثرت‌گرایی اروپا، پیشنهاد می‌شود تفاوت‌های فرهنگی نباید مانع ادغام ترکیه در اتحادیه اروپا شود. (Scherpereel, 2010: 828) با این حال، با توجه به نگرانی‌های دِستَن در مورد هویت اروپایی، خاطرنشان می‌سازد اگر تلاش اروپا برای ساخت چیزی که آن را «میهن‌پرستی» می‌نامد در مخالفت با اسلام و ترکیه باشد، مشکل بزرگی خواهد شد. به ادعای او، ترکیه ضمن اینکه نسبت به بیزانس و امپراتوری روم شرقی بیگانه است و هیچ سهمی از میراث اروپا ندارد، از طریق جهان اسلام، قرون تاریک را به اروپا کشیده، و هیچ‌یک از متون باستانی علوم و فلسفه یونانی را انتقال نداده است. (Financial Times, 2004)

۲-۵. مخالفت‌های مذهبی

کانون مخالفت‌ها با عضویت ترکیه، هرچند که به‌طور رسمی ثبت نشده، گفتمان هویت اروپایی با احترام به دین است. (Buthe, Gencer and Parkash, 2009: 11-12) درک اروپا از اسلام در دهه گذشته بدتر شده است. (Scherpereel, 2010: 824) در این رابطه، شکاک‌یون با صراحت استدلال می‌کنند که بزرگ‌شدن به سوی یک کشور با مردم عمدتاً مسلمان حاکم، موجب «پایان اتحادیه اروپا» می‌شود. (The Economist, 2002) این بحث شدیداً سیاسی شده و به سطحی از تعصب

مذهبی رسیده است که در هلند یک حزب ضداسلامی ایجاد می‌شود. (Hobolt et al., 2011: 360-361) ولو اینکه احترام به تنوع، ادعای رسمی نهادهای اتحادیه اروپا باشد، ضرورت عمدتاً مسیحی باقی ماندن اتحادیه اروپا، تدبیر ضمنی میان برخی از رهبران قدرتمند آنهاست. (Cronin, 2010) در واقع، وَن رومپای، ریاست شورای اروپا، یکی از چند نفری است که به‌طور صریح اظهار داشته است: «ارزش‌های جهانی موجود در نیروی اروپا و همچنین ارزش‌های اساسی مسیحیت، با ورود یک کشور بزرگ اسلامی مانند ترکیه، کشوری که هرگز بخشی از اروپا نخواهد بود، از توان می‌افتند.» (Philippidis and Karaca, 2009; Leigh, 2009) این امر یادآور سوالی است که به درستی توسط کرونین پرسیده شد. اگر یک باشگاه گلف بازی سیاست همگون منع دخول را پذیرفته باشد، به احتمال قوی از آن جهت شکایت از نقض قوانین برابری، استفاده می‌شود. اتحادیه اروپا که اسماً یک باشگاه دموکراسی است، چرا تبعیض بر اساس مذهب را مجاز می‌شمارد؟ (Cronin, 2010) بدون شک، این شکلی زیرکانه از سد متعصبانه تلاش ترکیه است.

این واقعیت اشاره می‌کند که دولت‌ها قادر به تغییر جغرافیا و یا مذهب مردم خود نمی‌باشند و آنها باید به‌طریقی هم‌زیستی مسالمت‌آمیز ایجاد نمایند. آشکارا، تعهد قطعی دولت مدرن و البته سازمان‌های توسعه‌یافته بین‌المللی این است که از طریق قوانین بین‌الملل، تبعیضی میان موضوعات حقوق بین‌الملل، دولت‌ها یا اشخاص، براساس مذهب، قائل نگردند. علاوه بر این، اتحادیه اروپا باید به حاکمیت ترکیه اجازه دهد در بنای گفتگو، سازش و در نهایت رابطه صلح‌آمیز میان دو اعتقاد مختلف کمک نماید. (Redmond, 2007: 313) اتحادیه اروپا همچنین قادر خواهد بود مسلمانان اروپایی را در شبکه‌های حکمرانی اروپایی از لحاظ احساسی، فرهنگی و یا سیاسی، در صورتی که مورد نظر باشد، ادغام نماید. (Pearce, 2010: 72;) 14: Cornell, 2012) اگر چیز مورد دلخواه صلح، رفاه اقتصادی و آزادی برای همه ملت‌ها باشد، راه دیگری نیست.

۲-۶ مسئله قبرس

علاوه بر مخالفت‌های گفته شده، مسئله قبرس به وضوح ثابت کرد به تنهایی بزرگ‌ترین مانع

برای عضویت ترکیه در اتحادیه اروپاست. جمهوری قبرس جنوبی در می ۲۰۰۴ به اتحادیه اروپا پیوست (The Economist, 2010)، در حالی که ترکیه هنوز آن را «بر اساس اینکه هر دو بخش شمالی و جنوبی جزیره باید متحد و یکپارچه شوند و باید به هر دو جامعه، توانمان اجازه ورود به اتحادیه اروپا داده می‌شد، و در نهایت جمهوری قبرس شمالی باید توسط اتحادیه اروپا و قبرس جنوبی به رسمیت شناخته شود»، به رسمیت نشناخته است و مطابق با آن، ترکیه از بسط اتحاد گمرکی خود با اتحادیه اروپا به قبرس جنوبی، به مفهوم فراگیر همه کشورهای عضو، سرباز زده است. از این رو، قبرس جنوبی هم مخالف پذیرش و پیوستن ترکیه به اتحادیه می‌باشد. (The Economist, 2004) در نتیجه، مانعی سخت بر سر راه مذاکرات و به عنوان یک بن‌بست در مقابل جریان رو به جلو آن گردیده است. شورای اروپایی بروکسل، تعهد ترکیه را به ایفای اتحاد گمرکی در قبال قبرس جنوبی یادآور شده است. (Morelli and Migdalovitz, 2011: 195) با این حال، در بخشی از ترکیه، هرگونه معامله، پیش از به رسمیت شناختن قبرس متحد، مترادف با به رسمیت شناختن قبرس جنوبی تعبیر می‌گردد. (The Economist, 2004) این اختلاف به روابط نهادی بین اتحادیه اروپا و ترکیه صدمه زده است و با این مانع حل نشده، پیشرفت بیشتر در مذاکرات، بعید به نظر می‌رسد. (Oguzlu, 2010: 73-74) از این رو، هرگونه تلاش برای شکستن بن‌بست مذاکرات، مستلزم ادای توأم و هم‌زمان تعهدات توسط ذی‌نفعان، به‌ویژه یونان، ترکیه، قبرس شمالی، قبرس جنوبی و اتحادیه اروپا می‌باشد. به نظر شوویمر این مسئله روشن است که همه آنها وابستگی‌های مشترکی دارند. آنها به‌طور جدایی‌ناپذیر به یکدیگر متصل هستند؛ یا در موفقیت یا در شکست. آنها یا با هم برنده می‌شوند و یا باهم بازنده، هیچ گزینه سودی وجود ندارد (Schwimmer, 2004; Oguzlu, 2010; Pearce, 2010: 69) و همچنان که پیرس اشاره می‌کند، مخالفت‌ها با تلاش ترکیه برطرف شدنی نیستند، مگر اینکه ترکیه همچنان به پیشرفت در اصلاحات ملی و تعهدات قانونی خود به اتحادیه اروپا به‌طور کامل ادامه دهد. (Pearce, 2010: 71)

در این رابطه، ترکیه باید به اجرای شروط مذکور در چارچوب مذاکرات، شامل اجرای کامل پروتکل الحاقی جهت تعهدات توافق‌نامه اتحاد و اتحاد گمرکی با اتحادیه اروپا ادامه دهد. در این

صورت، ترکیه قادر به پیشبرد مذاکرات خواهد بود. به همان اندازه، اتحادیه اروپا هم باید موافق وعده خود تا برقراری روابط تجاری میان قبرس شمالی با بقیه اتحادیه اروپا رفتار کرده، (Oguzlu, 2010: 77) برای باز کردن بن بست قبرس تلاش نماید. ترکیه می تواند بندرگاه های خود را بر روی کشتی های قبرس جنوبی باز کند و اتحادیه اروپا هم می تواند تعلیق را از هشت فصلی که در حال حاضر مسدود شده است، بردارد. (Ulgen, 2010)

مطالعات اخیر نشان می دهند که عمده مسائل مربوط به عضویت ترکیه ناشی از این مخالفت هاست. (Azrout, van Spanje and de Vreese, 2010; Hobolt et al., 2011) نتیجه، به دلیل اهمیت این مخالفت ها، احتمالاً رهبران اتحادیه اروپا جهت پذیرش الحاق ترکیه، تحت تاثیر موکلان مخالف خود قرار دارند. (McLaren, 2007: 273-274) به علاوه، وضعیت دوسویه ای از مسائل اصولی و افکار عمومی که در تکامل اتحادیه اروپا و روند تصمیم گیری آن تاثیر قابل توجه و مهمی دارد، حاکم می باشد. (Azrout et al., 2011: 4) بر این اساس، ترس از دست دادن ترکیه و همکاری اروپای مدیترانه ای، از یک سو آنها را با حمایت عمده آلمان و اتریش، اغلب بدون هیچ شرح روشنی به انحراف مسیر عضویت کامل ترکیه به یک راه سوم مانند «مشارکت ممتاز»، متمایل ساخته است، و از سوی دیگر، موضوع یک پارچه سازی تدریجی است که توسط برخی از روشنفکران ارایه گردیده است. (Karakas, 2006; 5-7) اما ترکیه آشکارا این پیشنهادهای روی زمین مانده را که هدف نهایی آنها جایگزینی با مفهوم عضویت کامل است، رد می کند. (Gul, 2006) در واقع، هیچ شبه عضویتی برای ترکیه قابل قبول و موجه نمی باشد. پوشیده نمی باشد که بهانه های بی پایان و دوپهلوی (غیرواقع) ساخته شده توسط مقامات اتحادیه اروپا نه تنها به طور جدی انگیزه پشتیبان یک پارچه سازی و اصلاحات همبستگی در ترکیه را تضعیف می کند، بلکه باعث فاصله گرفتن افکار عمومی از اتحادیه اروپا به دلیل ماهیت خصمانه آن به عنوان یک نهاد و نه یک شریک آینده می شود. (Tacar, 2007: 127-128; Redmond,)

(2007: 308; Ulgen, 2010; The Economist, 2010; Sadikoglu, 2012: 1

سه. چرا عضویت ترکیه؟

همان‌طور که در جامعه کنونی مشهود است، همه بازیگران قدرتمند در مقابل پیشرفت روابط ترکیه و اتحادیه اروپا و هم‌سو با طولانی نمودن آن نیستند، برخی از آنها نسبتاً متمایل به الحاق ترکیه با اتحادیه اروپا می‌باشند. کسانی که متمایل به مطرح ساختن عضویت ترکیه در اتحادیه اروپا هستند، یک فرصت تاریخی برای اروپا جهت پذیرش ارزش‌ها و هنجارهای اروپایی توسط ترکیه فراهم می‌آورند. به‌عنوان مثال، هر دو معاون ریاست کنوانسیون، ژان لاک دِه‌اینه، و کمیسر برای بزرگ شدن، گونتر وِرهیوژن، اظهار داشتند که «کمیسر اروپا نمی‌تواند از راهبرد بزرگ شدن که در هلسینکی در سال ۱۹۹۹ به تصویب رسیده منحرف شود»، و از باب تذکر افزودند که «ترکیه پیشرفت قابل توجه در دموکراسی و حقوق بشر داشته است.» (Smith, 2002)

بی‌تردید، ترکیه و اتحادیه اروپا می‌توانند به‌خوبی بدون مشارکت زندگی کنند. هرچند، در مواجهه با همه چالش‌های رو به افزایش قرن بیست‌ویکم برای قاره اروپا، گفتگوی مبنایی میان تمدن‌ها بر سر مسائل انرژی، کارگر ماهر مورد نیاز رقابت اقتصادی با بقیه جهان، همکاری بهتر جهت تحکیم امنیت انرژی، رسیدگی به درگیری‌های منطقه‌ای و جلوگیری از شکاف‌های قومی و مذهبی به‌طور موثر، می‌تواند بهترین راه تحقق هم‌افزایی موثر و متریقی، و ایجاد تعهد معتبر، متقابل جهت راهبرد بزرگ شدن باشد. به این منظور، اساس تحقق منافع مادی کاهش قیمت‌ها که برای اتحادیه اروپا و ترکیه اهمیت یکسانی دارد، در همکاری متقابل ترکیه و کشورهای اتحادیه اروپا، بهتر عملی می‌شود.

در ادامه، منطقی که اتحادیه اروپا به دلایل بسیار باید جهت تحقق الحاق ترکیه بدون هرگونه تاخیر بیشتر به آنها توجه نماید، به‌طور خلاصه بیان شده است.

۱-۳. موقعیت جغرافیای استراتژیک ترکیه

از بسیاری جهات، موقعیت مرکزی جغرافیای سیاسی ترکیه نشان‌دهنده یک امکان ارزشمند با اهمیت استراتژیک، به‌ویژه برای جاه‌طلبی‌های سیاست خارجی، امنیت انرژی و صلح و رفاه منطقه‌ای، خاصه راهبرد آسیای مرکزی، اتحادیه اروپاست. (Cornell, 2012: 15) نقش ترکیه

در منطقه نه تنها به خاطر منافع جغرافیای اقتصادی، بلکه بیشتر به دلایل جغرافیای سیاسی سنتی اهمیت اساسی دارد. آن هم به دلیل تحکیم روابط اروپا با جهان اسلام (Rehn, 2007: 72) و نهایتاً رسیدن به یک اتحادیه قوی تر اروپایی در نگاه به مسائل امنیتی و جغرافیای استراتژیک می باشد. (Guerot, 2004) نیازی به گفتن نیست با توجه به قدرت نرم عملیاتی ناشی از ظرفیت جذب و الهام بخش برای محیط خود، ترکیه در حال حاضر تأثیرات مثبتی بر روی شکل گیری جوامع منطقه بر اساس فرهنگ و تاریخ مشترک، به ویژه در بالکان غربی و شرق میانه دارد. (Altinay, 2008)

تدبیر منطقه ای، در واقع چالش های مشترکی هستند که از یک طرف هیچ کشوری نمی تواند رأساً بر آنها غلبه کند، و از سوی دیگر، یک آینده و منافع مشترک ارزنده برای کل منطقه دارند. در نهایت، یک اتحاد اقتصادی و سیاسی منطقه ای راه را برای صلح و افزایش رفاه برای همه هموار می کند. (Altinay, 2008: 61) چنان که وال، از بنیان گذاران اتحادیه اروپا، اشاره می کند به درستی اتحادیه از یک جهت به گونه ای پویا برای حفظ صلح و ثبات مواجه می باشد. امروز اگر صلح و ثبات هدف باشند، پس به هیأت حاکمه مردم مدار ترکیه جایزه داده می شد. (Wall, 2004) بریتان می افزاید: با اینکه پذیرش قانونی ترکیه امتیاز راهبردی بسیار بزرگی می باشد، به دلایل استراتژیک ما نمی توانیم آن را بپذیریم. ما نباید ترکیه را که نشان دهنده آمادگی قبول یک کشور اسلامی است، قانونی بپذیریم، هرچند امکان تایید آن یک امتیاز باشد. به علاوه، به دلیل محسنات موقعیت جغرافیایی، خاصه زیرساخت کنونی انرژی، ترکیه در حال حاضر به عنوان یک معبر انرژی، نقش حیاتی فزاینده ای برای اروپا بازی می کند و در آینده، اتحادیه اروپا بیش از همیشه نیازمند ترکیه برای امنیت نفت و عرضه گاز طبیعی خواهد بود. (Roberts, 2004; Gerhards and Hans, 2011: 744; Tekin and Williams 2011; Chislett, 2011: Cornell, 2012: 15)

۲-۳. تنوع هرچه بیشتر اتحادیه اروپا

از زمان نطفه بستن، اتحادیه اروپا به طور موثر از ترویج گوناگونی، تکرارگری، گفتگوهای بین فرهنگی و همکاری، به شیوه های مختلف پشتیبانی می کرد. در این باب، احترام به این ارزش ها

پیش‌نیاز معماری اتحادیه اروپا بوده و ایده‌های جلابخش نبوده است، تا اینکه با نشان دادن «وحدت در کثرت»، اتحادیه اروپا در حال حاضر بسیاری از فرهنگ‌ها، آداب و رسوم و زبان‌های مختلف را به‌عنوان سرمایه مثبت پذیرا گشته است. (Hobolt et al., 2011: 363; Tacar, 2007: 131) تا به امروز و پس از آخرین دور بزرگ شدن، جمعیت اتحادیه اروپا به‌طور واقع تا حد ۵۰۰ میلیون نفر و تعداد زبان‌های رسمی آن به ۲۳ افزایش یافته است. از یک‌سو، رشد اتحادیه اروپا از طریق توسعه و عمق‌بخشی و از سوی دیگر، توسعه ترکیه به یک کشور مردم‌مدارتر با استانداردهای بالاتر از طریق قانون و حکومت اتحادیه اروپا بدیهی می‌باشد. به‌درستی، در هر حال ممکن است ترکیه اولین کشور مسلمان نباشد که به اتحادیه اروپای کاملاً مسیحی می‌پیوندد، مضافاً اتحادیه اروپا امروزه بیشتر باشگاهی می‌ماند که ترکیه در نهایت ممکن است به آن بپیوندد. (The Economist, 2005) در نتیجه، استقبال از ترکیه به‌عنوان یک کشور چندفرهنگی اساساً تنوع اتحادیه اروپا را افزایش خواهد داد. (The Economist, 2005; Kirval, 2007: 200)

۳-۳. اعتبار اتحادیه اروپا

به‌مراتب، بزرگ شدن به‌دلیل نیاز جهت اعتباربخشی به اتحادیه اروپا و کشورهای داوطلب، اتفاق افتاده است. بر این اساس، هر بار که یک کشور نامزد به‌طور کامل آماده می‌شد، به اتحادیه اروپا می‌پیوست. چشم‌اندازها پیش از نامزدی کشورها به‌وضوح مشهود بود. اتحادیه اروپا با سیاست توسعه اعتبار و شایستگی، کشورهای داوطلب را مشروط می‌ساخت. (Fule, 2010) با این حال هنگامی که نوبت به ترکیه می‌رسد، هیچ چشم‌انداز واضحی قبل از تلاش کشور مشهود نبوده است. به‌علاوه، تاکنون آشکارا اتحادیه اروپا ترکیه را با سیاست توسعه شایستگی مشروط نساخته است.

از دید ترکیه، پای‌بندی اتحادیه اروپا به تعهدات سیاسی خود برای هر نقشی که اروپا ممکن است بخواهد در سراسر جهان بازی کند، از اهمیت حیاتی برخوردار است. همچنین باید هویت اتحادیه اروپاییش ذاتی باشد. (Ulgen, 2008) در حال حاضر، مطابق وضعیت برابر با دیگر کشورهای نامزد، اتحادیه اروپا باید مذاکرات با ترکیه را با شیوه‌ای بی‌طرفانه و معقول ادامه دهد و در

چارچوب روند مذاکرات، باید تنها به شایستگی ترکیه جهت مسئولیت برای عضویت و نه دین مردم و یا جغرافیای کشور توجه شود (Keyman and Duzgit, 2007: 84; Cornell, 2012: 16) به همین ترتیب، تفسیر مفاهیمی نظیر: فرهنگ، مذهب و یا جغرافیا باید منصفانه، منطقی و عینی باشد. به جای طفره رفتن با تعاریف محدودکننده، باید ترکیه را به محض احراز شرایط لازمه پیوستن به اتحادیه اروپا پذیرفت. این نیز یک شرط اساسی حکومت قانون است که یکی از شروط انعقاد اتحادیه اروپا می باشد. (Pearce, 2010: 65) بنابراین تنها راه برای اتحادیه اروپا «اجتناب جدی از اتهامات استثناءکننده»، و در نتیجه حفظ اعتبار خود نزد دیگر نامزدهای بالقوه و جامعه بین‌المللی است که به طور جدی روند الحاق را نظاره‌گر می‌باشند. (Philippidis and Karaca, 2009: 1722) در غیر این صورت، بدون شک اتحادیه اروپا در حالی که برای خواست ترکیه امتیازی قائل نیست، به سادگی اعتبار خود را از دست بدهد. (Tacar, 2007: 132)

۴-۳. حاکمیت قانون

روند یک‌پارچگی بین ترکیه و اتحادیه اروپا در چارچوب قوانین بین‌المللی توسعه داده شده است و این روند راه را برای ایجاد قوانین بین‌المللی باز می‌کند. روابط میان ترکیه و اتحادیه اروپا قانون ایجاد نموده که بدون شک به طور حقوقی الزام‌آور برای هر دو طرف است. این قانون ذاتاً بین‌المللی است، و قوانین بین‌المللی نه تنها برای کشورهاست، بلکه به همان اندازه برای سازمان‌های بین‌المللی به‌ویژه اتحادیه اروپای مدعی حمایت از حکومت قانون هم هست.

علاوه بر این، باید تأکید نمود که هر مرحله از فرایند اتحاد بین ترکیه و اتحادیه اروپا، ایجاد یک پیمان رسمی را برحسب قوانین بین‌المللی و یا لاقلاً به واسطه اصل اساسی قوانین بین‌المللی نشان می‌دهد که آنان را به درستی با الزامات اخلاقی و حقوقی مواجه می‌نماید. ایمان به پیمان و حسن نیت در اجرای آن، الزام قوانین بین‌المللی است. «با توجه به توافق‌نامه‌های بین‌المللی، هر معاهده متضمن نیروی الزام‌آور و وادارکننده طرفین به اجرای مفاد آن با حسن نیت می‌باشد.» قواعد آمره حقوق عام بین‌الملل، احترام به حق کشورها را براساس حسن نیت بیان می‌نمایند. (اصل حسن نیت در قراردادهای تجاری یا اصل کلی رفتار درست در عمل تجاری، حاوی بند

قانونی بین طرفین است که عدم انجام تعهدات به دلیل نقض پیمان را نشان می‌دهد.) در واقع، به عنوان نتیجه‌ای از یک پیمان بین‌المللی، اتحادیه اروپا با توافق نامه آنکارا، نامزدی عضویت کامل را در سال ۱۹۹۹ به ترکیه اعطا نمود. البته تا اندازه‌ای دیر، این شرط روشن قوانین بین‌المللی را که باید به معاهده ایمان داشت، تحقق بخشید. همچنین، نباید شکاف اعتبار بین الزامات روابط و تحقق اهداف وجود داشته باشد. در نتیجه، به خاطر روابط دوستانه بلندمدت، تصمیم‌گیری‌ها در مورد آینده این روابط باید واقع‌بینانه و صریح باشد. این امر نیازمند انگیزش و حمایت اتحادیه اروپا از پروژه تاریخی متجددسازی ترکیه در باب اروپایی است که امروز به یک عضو کامل اتحادیه اروپا تبدیل شده است. (Sozen and Shaw, 2003: 108) بدون عضویت در اتحادیه اروپا، برای ترکیه تحقق بخشیدن به این هدف، بسیار دشوار است و ترکیه ممکن است با انتخاب راه دیگری برای پیشرفت مواجه گردد. نیازی به گفتن نیست، دوری ترکیه از اروپا برای اتحادیه اروپا بیشتر به معنی مشکلات جدی راهبردی مانند ضعف در سیاست خارجی، مهاجرت غیرقابل تفوق، افزایش مخاطرات منطقه‌ای و امنیت انرژی خواهد بود (Dagi, 2005: 44-72) و این به نوبه خود باعث بی‌ثباتی و ناامنی در منطقه (Ozcan et al., 2009: 318-336) و در نهایت افزایش قابل ملاحظه مخاطرات صلح و رفاه منطقه‌ای می‌باشد.

۳-۵. روابط بلندمدت

تلاش‌های اروپایی‌سازی ترکیه به دهه ۱۸۵۰ بر می‌گردد (Sozen and Shaw, 2003: 108-115)؛ زمانی که دولت عثمانی یک‌سری از اصلاحات را جهت هم‌گام شدن با تحولات غرب مرسوم نمود. با این حال، در آن زمان به دلایل بسیاری از جمله جنگ‌ها و نوسانات در روابط بین‌المللی، موفقیت رضایت‌بخشی حاصل نگردید. وقتی که دولت پس از جنگ جهانی اول در اتحاد با آلمان از هم فرو می‌پاشید، ترکیه آرمان‌های اروپایی خود را از سر گرفت (The Economist, 2005; Ozcan et al., 2009, 22; Ulusoy, 2009: 369-371) و شروع به نوسازی ساختارهای سیاسی، اداری، اقتصادی و اجتماعی در پرتو استانداردهای غربی می‌نماید. از آن پس با اهمیت بیشتری به توسعه روابط خود با کشورهای اروپایی می‌پردازد. (Pahre and Ucaray-Mangitli, 2009: 359-361)

از آغاز شکل‌گیری نهادهای بین‌المللی، ترکیه به یک عضو بی‌باک و پشتیبان آنان تبدیل گردید. (Pearce, 2010) در طول جنگ سرد، ترکیه بخشی از اتحاد غربی دفاع از دموکراسی، حقوق بشر و آزادی بود. امروز، ترکیه دوباره با غرب در برابر چالش‌های جهانی مانند جنگ علیه تروریسم، انرژی و امنیت جهانی همراه است و عناصر اصلی سیاست خارجی خود را با شرکای اروپایی خود، هم‌سو نموده است. (Moreli and Migdalovitz, 2011: 205-206; Chislett, 2011: 3) بنابراین، ترکیه نه تنها در دفاع از قاره اروپا، بلکه در ترویج ارزش‌های اروپا نقش حیاتی بازی کرده است. با این حال، نکته جالب این است که ترکیه با توجه به مطرح ساختن قبرس شمالی، به‌طور متداول، مجاز به شرکت در زیرساخت‌های دفاعی اتحادیه اروپا و در نتیجه قادر به دسترسی به اطلاعات نظامی نیست (Oguzlu, 2010: 77; Chislett, 2011: 3) کافی است اضافه شود، اساس پروژه اروپای سیاسی در درجه اول، ارزش‌های دموکراسی، حقوق بشر و حکومت قانون است. به‌طور خاص، اتحادیه اروپا با این ادعا که این ارزش‌ها جهانی هستند، و تنها به کشورهای ثروتمند اروپای غرب ثروتمند تعلق ندارند، مدت زیادی است که این ارزش‌ها را در سراسر جهان ترویج می‌کند. (Ozkan, 2004: 84; Kotzian, Knodt, and Urdze, 2011; Kurki, 2011) دولت سکولار ترکیه در حال حاضر این ارزش‌های جهانی و استانداردهای اروپایی را در زیرساخت‌های کلی خود (Erdogan, 2007: 24; Noutcheva and Aydin-Duzgit, 2012) به‌خاطر عضویت در شورای اروپا و تلاش طولانی‌مدت جهت عضو شدن در اتحادیه اروپا محترم شمرده است. در حقیقت، با وجود ضدیت، برحسب مسائل بسیار، راه طولانی پیش‌رو می‌باشد. (Ozkan, 2004: 83-154) ترکیه امروز در بسیاری از زمینه‌ها، به‌ویژه در ارتباط با حکمرانی خوب، حقوق بشر و آزادی‌های مطابق با قانون و استانداردهای اتحادیه اروپا، علاوه بر اصلاحات قانونی از طریق پروژه‌های ظرفیت‌سازی، برنامه‌های آموزشی و غیره در حال پیشرفت است. (Babul, 2012, 30-52) اکنون، الحاق ترکیه به اتحادیه اروپا یک فرصت عالی برای اروپایی‌ها جهت اثبات این ادعا می‌باشد. در نهایت، جایگاه آینده ترکیه و نقش آن در اروپا نه تنها برای ترکیه و اروپا، بلکه برای کل جهان از اهمیت تاریخی برخوردار است. (Schwimmer, 2004)

نتیجه‌گیری

درست است که جامعه ترکیه از بسیاری جوامع دیگر اروپا در بسیاری از جنبه‌ها از قبیل فرهنگ، مذهب و قومیت متفاوت است، در حوزه کثرت‌گرایی، به‌شرطی می‌توان مباحث جاری برسر مشاغل مختلف ترکیه در اروپا را نسبتاً پذیرفت که آنها عادلانه، معقول و مشروع باشند. اما مخالفان الحاق ترکیه به اتحادیه اروپا وعده موقوف ندهند، حداقل آنها برای آینده قابل پیش‌بینی، ختم کلام را سریع‌تر و برای همیشه بیان نمایند و به‌نظر نمی‌رسد اتحادیه اروپا تاکنون ترکیه را با وجود منافع، ناشی از تمامی تحولات گفته شده، قبول کرده باشد.

این هم درست است که روند اصلاحات در حال انجام در ترکیه کامل و بی‌عیب نبوده، نگفته پیداست هیچ کشوری قبل از الحاق به اتحادیه اروپا کامل نبوده است. در واقع، خود اتحادیه اروپا نه کامل است و نه بی‌عیب. به‌رغم محسنات یک شریک سودمند در این رابطه بلندمدت، ترکیه تلاش‌های بسیاری از جنبه‌های مختلف جهت الحاق به اتحادیه اروپا انجام داده است. از لحاظ اقتصادی، ترکیه از برنامه‌ها و بودجه‌هایی که اتحادیه اروپا به همه کشورهای نامزد ارایه می‌دهد، سود برده است. از نظر حقوقی، به لطف تلاش منظم در راستای منشور اتحادیه اروپا، ترکیه قانون خود را به سطحی بالاتر در انطباق با قوانین بین‌المللی ارتقاء بخشیده است. به‌طور متداول، به‌کار بیشتری در بسیاری از جهات به‌خصوص ساخت یک قانون اساسی کاملاً مدنی بر اساس حاکمیت قانون و در نهایت موفقیت در مبارزه با تروریسم نیاز است.

به‌طور کلی، آرزوی ترکیه برای عضویت در اتحادیه اروپا به‌عنوان یک ابزار موثر تحقق دموکراسی واقعی، تحقق حقوق و آزادی‌های انسانی و حفظ کرامت انسانی و حکومت قانون دیده شده است. با این آرمان دیرپا، ترکیه سزاوار عضویت کامل است نه هم‌پیمان درجه دوم. بنابراین نباید جایگزین‌های دیگری متفاوت با معادل عضویت برای ترکیه، که از ابتدا درخواست در سال ۱۹۵۹ میل است حاکمیت ملی خود را در شرایط عادلانه با سطح اتحادیه اروپا به اشتراک بگذارد، وجود داشته باشد. در غیر این صورت، ترکیه از اتحادیه بیرون باقی خواهد ماند، اما نباید آن را از حرکت به سمت ایجاد و حفظ یک دموکراسی واقعی کثرت‌گرا، دفاع از حقوق بشر و آزادی‌های اساسی برای همه افراد به‌طور موثر، و فراهم آوردن تسهیل و ارایه حاکمیت قانون در تمام وظایف دو حوزه خصوصی و عمومی دور نمود.

منابع و یادداشت‌ها:

1. Altnay, H. (2008), "Turkey's Soft Power : An Unpolished Gem or an Elusive Mirage?", *Insight Turkey*, Vol. 10 (2).
2. Archick, K. and Mix, D. E.(2011), "The European Union: Question and Answers," *Current Politics and Economics of Europe*, Vol. 21 (4).
3. Arvanitopoulos, C. (2009), *Turkey's Accession to the European Union: An Unusual Candidacy*, The Constantinos Karamanlis Institute for Democracy Series on European and International Affairs, Center for European Studies Publications, Editor: C. Arvanitopoulos, Athens.
4. Azrout, Rachid, van Spanje, Joost and de Vreese Claes (2010), "Talking Turkey: Anti-immigrant Attitudes and Their Effect on Support for Turkish Membership of the EU," *European Union Politics*, Vol. 12 (1).
5. Babul, Elif M.(2012), "Training Bureaucrats, Practicing for Europe: Negotiating Bureaucratic Authority and Governmental Legitimacy in Turkey," *Political and Legal Anthropology Review*, Vol. 35 (1).
6. Brussels European Council, Presidency Conclusions, 14-15 December 2006.
7. Buthe, T., Gencer, G., and Parkash, S.(2009), "The Promise of Turkish EU Membership: A Comparative Analysis," Paper Prepared for Presentation on Panel 6G, "Reconsidering Enlargement," 11 Biennial Meeting, European Union Studies Association, Los Angeles, 23-25 April 2009.
8. Chislett, W.(2011), "The 'Cost' of Turkey's Non-integration into the European Union," *ZEL EU-Turkey- Monitor*, Vol. 7 (2/3).
9. Cornell, Svante(2012), "Cause for Concern? The Transformation of Turkey's Internal Politics and Foreign Policy," in Svante Cornell, Gerald Knaus and Manfred Scheich (ed.), *Dealing with a Rising Power: Turkey's Transformation and its Implications for the EU*, Center for European Studies, Brussels.
10. Cronin, D.(2010), "Keeping Turkey out of Europe," *Guardian*, <http://www.guardian.co.uk> (21. 12. 2011).
11. Dagi, I.(2005), "Avrupa Birliği ve Türkiye: Nedenler ve Sonuclar Uzerine" [Turkey and the European Union : On the Reasons and Consequences], in E. Yazici (ed.), *Avrupa Birliği Surecinde Türkiye, Sorunlar ve Firsatlar*, Celik - Is Sendikası Yayini, Ankara.
12. Destaing, Valery, G.(2004), "A Better European Bridge to Turkey," *Financial Times*, <http://www.ft.com/intl/cms/s/I/263d9778-3e4b-11d9-a9d7-00000e2511c8.html#axzzlu7pxyDVU>(15.04. 2012).
13. Dyson, K.(2007), "Reinventing Europe? Turkey, European Union Accession and Europeanization," in E. Lagro, and K. E. Jorgensen (ed.), *Turkey and the European*

Union: Prospects for a Difficult Encounter, Palgrave Macmillan, New York.

14. Erdogan, Birsan(2007), "Turkey's Compliance with European Union Democratic Conditionality: Resistance or Transformation of Identity?" *Netherlands Quarterly of Human Rights*, Vol. 25 (1).

15. *Financial Times* (2004), "A bit too Late to go cold on Turkey," Editorial, 26 November 2004, <http://www.ft.com/intl/cms/s/0/18903d7c-3f51-11d9-8198-00000e2511c8.html#axzz1szWJv0UH> (17. 05. 2012)

16. Fule, S.(2010), "Press Point on Enlargement Package", European Commission - Press Conference, European Commissioner for Enlargement and Neighborhood Policy, SPEECH/10/639, Brussels, 9 november 2010, <http://europa.eu/rapid/pressReleasesAction.do?reference=SPEECH/10/639>. (11. 09. 2012).

17. Gerhards, Jurgen and Hans, Silke(2011), "Why not Turkey? Attitudes towards Turkish Membership in the EU among Citizens in 27 European Countries," *Journal of Common Market Studies*, Vol. 49 (4).

18. Goksel, A.(2011), "Domestic Social Policy Change due to the Pressures of European Integration: Equality between Woman and Men at work and women Employment Policies in Turkey," in I. E. Vural (ed.) *Converging Europe: Transformation of Social Policy in the Enlarged European Union and in Turkey*, Ashgate, The UK.

19. Guerot, U.(2004), "The European Paradox: Widening and Deepening in the European Union," *The Brooking Institution, U. S-Europe Analysis Series*, No. 3, http://www.brookings.edu/articles/2004/06europe_guerot.aspx

20. Gul. A.(2006), "Bringing in Turkey," *The international Herald Tribune*, 10 December.

21. Gunes-Ayata, A.(2003), "From Euroscepticism to Turkey-Scepticism: Changing Political Attitudes on the European Union in Turkey," *Journal of Southern Europe and the Balkans*, Vol. 5 (2).

22. Hobolt, Sara B., Van der Brug, Wouter, De Vreese, Claes H., Boomgaarden, Hajo G. and Hinrichsen, Malte C.(2011), "Religious Intolerance and Euroscepticism," *European Union Politics*, Vol. 12 (3).

23. Jorgensen, K. E.(2007), "The Politics of Accession Negotiations," in E. Lagro and K. E. Jorgensen (ed.), *Turkey and the European Union: Prospects for a Difficult Encounter*, Palgrave Macmillan, New York.

24. Joseph, S. J. (2006), *Turkey and the European Union: Internal Dynamics and External Challenges*, editor: S. J. Joseph. Palgrave Macmillan, New York.

25. Karakas, C. (2006), "Gradual Integration: A Sustainable Alternative for Both Sides," Center for European Studies (ZEI), ZEI EU-Turkey Monitor, Vol. 2 (1).

26. Keyman, E. F. and Duzgit, S. A. (2007), "Europeanization, Democratization and Human Rights in Turkey," in E. Lagro and K. E. Jorgensen (ed.), *Turkey and the European Union: Prospects for a Difficult Encounter*, Palgrave Macmillan, New York.
27. Kirval, L. (2007), "Identity, Interests and Political Culture in Turkey's Accession Negotiations," in E. Lagro and K. E. Jorgensen (ed.), *Turkey and the European Union: Prospects for a Difficult Encounter*, Palgrave Macmillan, New York.
28. Kotzian, Peter, Knodt, Michele and Urdze, Sigita (2011), "Instruments of the EU's External Democracy Promotion," *Journal of Common Market Studies*, Vol. 49 (5).
29. Kurki, Milja (2011), "Governmentality and EU Democracy Promotion: The European Instrument for Democracy and Human Rights and the Construction of Democratic Civil Societies," *International Political Sociology*, Vol. 5.
30. Lagro, E. and Jorgensen, K. E. (2007), "Introduction: Prospects for a Difficult Encounter," in E. Lagro and K. E. Jorgensen (ed.), *Turkey and the European Union: Prospects for a Difficult Encounter*, Palgrave Macmillan, New York.
31. Lagro, E. (2007), "The Economics of the Accession Process: A Multidimensional and Policy-orientated Approach for Turkey," in Lagro, E. and Jorgensen, K. E. (ed.), *Turkey and the European Union: Prospects for a Difficult Encounter*, Palgrave Macmillan, New York.
32. Leigh, P. (2009), "Van Rompuy: Turkey will Never Be Part of Europe," Observer, 18 November 2009, <http://euobserver.com/843/29016> (10. 04. 2012)
33. McLaren, L. M. (2007), "Explaining Opposition to Turkish Membership of the EU," *European Union Politic*, Vol. 8 (2).
34. Molle, W. (2001), *The Economics of European Integration: Theory, Practice, Policy, Fourth Edition*, Ashgate, Aldershot.
35. Morelli, V. and Migdalovitz, C. (2011), "European Union Enlargement: A Status Report on Turkey's Accession Negotiation," *Current Politics and Economics of Europe*, Vol. 22 (2).
36. Oguzlu, Tarik (2010), "Turkey and the Cyprus Dispute : Pitfalls and Opportunities," *Ankara Bar Review*, Vol. 3 (1).
37. Ozcan M., Elmas, F. Y., Kutiay, M. and Mutus, C. (2009), *Bundan Sonrasi, Senaryo Analizleriyle Turkiye-AB Iliskileri [After This: The Relations between Turkey and the EU with Scenario Analyses]* USAK Yayinlari, Ankara.
38. Ozkan, Abdullah (2004), *Kuresellesme ve Avrupa Birligi ile Butunlesme Surecinde Turkiye [Globalization and Turkey in the Process of Integration into the European Union]* Tasam Yayinlari, Istanbul.

39. Pahre, R. and Ucaray-Mangitli, B.(2009), "The Myths of Turkish Influence in the European Union," *Journal of Common Market Studies*, Vol. 47 (2).
40. Pearce, S. (2010), "Entrapment, Economics, and Geopolitics: The Obstacles and Conditions for Turkish EU Membership," *Claremont-UC Undergraduate Research Conference on the European Union*, Vol. 2010 (1), Article 7, <http://scholarship.claremont.edu/urceu/vol2010/iss1/7> (27. 05. 2012)
41. Philippidis, George and Karaca, Orhan (2009), "The Economic Impacts of Turkish Accession to the European Union," *The World Economy*, Vol. 32 (12).
42. Redmond, J.(2007), "Turkey and the European Union: Troubled European or European Trouble?" *International Affairs*, Vol. 83 (2).
43. Rehn, Olli (2008), "A Stronger Europe through Deepening and Widening," SPEECH/08/184 EU Commissioner for Enlargement, 8 April 2008, Brussels .
44. Rehn, Olli (2007), "Deepening and Widening of the EU: Together 50 Years," SPEECH/07/459, EU Commissioner for Enlargement, 4 July 2007.
45. Roberts, J.(2004), "The Turkish Gate: Energy Transit and Security Issues," *Turkish Policy Quarterly*, Vol. 3 (4).
46. Sadikoglu, Neva(2012), "Avrupa Birliği Türkiye İçin Hala Önemli Mi?" [Is the European Union Still Important for Turkey?] *Türkiye Ekonomi Politikaları Araştırma Vakfı*, Eylül 2012, <http://tepav.org.tr> (01. 01. 2013)
47. Scherpereel, J. A. (2010), "European Culture and the European Union's Turkey Question," *West European Politics*, Vol. 33 (4).
48. Schrijvers, A. (2007), "What Can Turkey Learn from Previous Accession Negotiations?" in E. Lagro and K. E. Jorgensen (ed.), *Turkey and the European Union: Prospects for a Difficult Encounter*, Palgrave Macmillan, New York.
49. Schwimmer, Walter (2004), "Turkey and the European Union: Looking beyond Prejudice," *Speech at Maastricht*, 5 APRIL 2004, <http://www.coe.int> (10. 11. 2011)
50. Smith, N.(2002), "Tension Shows over Giscard's Turkey Comments," *Observer*, 11 November 2002, <http://euobserver.com/15/8324>.
51. Sozen, S. and Shaw, I.(2003), "Turkey and the European Union Modernizing a Traditional State?" *Social Policy and Administration*, Vol. 37 (2).
52. Stephens, Philip (2004), "Europe Must Open its Eyes and Look to the Future," *The Financial Times*, 10 December 2004.
53. Tacar, Pulat(2007), "Socio-cultural Dimensions of Accession Negotiations," in E. Lagro and K. E. Jorgensen (ed.), *Turkey and the European Union: Prospects for a Difficult Encounter*, Palgrave Macmillan, New York.

54. Tekin, Ali and Williams, Paul Andrew (2011), *Geo-Politics of the Euro-Asia Energy Nexus: The European Union, Russia and Turkey (New Security Challenges)* , Palgrave Macmillan , London.
55. *The Economist* (2004), "A Date with Turkey," 17 December 2004, <http://www.economist.com/node/3502423> (21. 02. 2011)
56. *The Economist* (2010), "A Fading European Dream: Will Turkey Ever Join the EU," A Special Report: Turkey, 21 October 2010, <http://www.economist.com/node/17276372> (07. 08. 2012)
57. *The Economist* (2005), "Looking to Europe," Special Report: Turkey, 17 March 2005, <http://www.economist.com/node/3737609> (21. 02.2011)
58. *The Economist* (2002), "Charlemagne, too Big for Europe? The Turks Are at the Gates of Brussels," 14 November 2002, <http://www.economist.com/node/1442045> (11. 03. 2012)
59. Ugur, M.(2010), "Open-Ended Membership Prospect and Commitment Credibility: Explaining the Deadlock in EU-Turkey Accession Negotiations," *Journal of Common Market Studies*, Vol. 48 (4).
60. Ulgen, S.(2008), "Still Losing Momentum: Turkey and the EU," *European Voice.com*, <http://www.europeanvoice.com/article/imported/still-losing-momentum-turkey-and-the-eu/59029.aspx> (03. 12. 2011)
61. Ulgen, S.(2010), "Turkish Politics and the Fading Magic of EU Enlargement," *Center for European Reform, Policy Brief*, <http://www.cer.org.uk> (17. 11. 2011)
62. Ulusoy, K.(2009), "The Changing Challenge of Europeanization to Politics and Governance in Turkey," *International Political Science Review*, Vol. 30 (4).
63. Wall. S.(2004), "If EU Seeks Peace and Stability then Turkey is a Prize," *Financial Times*, 26 November 2004, <http://www.ft.com/intl/cms/s/0/9c38337a-3f4f-11d9-8e70-00000e2511c8.html#axzz1szWJvOUH> (18. 09. 2011)